

متن پرسش

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت استاد گران قدر: استاد موضوعی ذهنم را مشغول کرده و آن مطرح کردن بحث تمدن ذیل شخصیت و عرفان امام خمینی و انقلاب اسلامی است. راستش لازمه این تمدن جامعه ای سرشار از صدق و راستی، عدالت و معنویت، همبستگی قلبی و خودسازی تک تک افراد جامعه به دور از فاصله طبقاتی هست، که طرح این بحث توسط یک شخص که استاد بزرگوارمان باشید به مانند یک دست می ماند که صدایی ندارد و نیاز به یک جریان سازی ملی دارد، و مانند حرکت مدرس ها و شیخ فضل الله نوری ها کم رنگ جلوه کردن و به هدف غایی نرسیدن آن دور از انتظار نیست. تمدنی که باید همه دلبستگی ها و راحتی ها و تکنولوژی ها را دور زد و تقریباً از صفر شروع کرد، عرفانی که نیاز یا حداقل پیش زمینه دست یافتن به آن به مراتب بسیار سخت تر از زمانی شده که بزرگان عرفان ما در نجف اگر طلبه ای آن کرامات را نداشت متعجب می شدن و امروزه داشتن آن جای تعجب شده، دست یافتن به این تمدن را بسیار دور دست نمایانده. خواستم بدانم این هدف که بیشتر به رؤیا شبیه است، چگونه آن گرمی و روحیه دست یافتن به اینگونه تمدنی را در ما یا بهتر بگم در بچه حزب اللهی ها حفظ کند و ما را در حرکت به جلو تشویق کند؟ زمانی که دولت یا رسانه یا سیستم آموزش یک ملت با این هدف کاملاً بیگانه باشند و کوچک ترین خبر از این بیداری نداشته باشند و در خواب زمستانی باشند...، برای نابودی زحمت دانشمندانمان و بتن کردن تمام دانشمندانمان جشن و مدال فتح بگیرند و حتی تشویق به تدریس آن در دروس ابتدایی کنند، از رسانه و دولتی که مرگ هاشمی را بزرگ تر از مرگ یک امام زاده جلوه دهند، چه انتظاری ما داشته باشیم؟ پوزش می طلبم بابت اطاله کلام، ممنونم از بذل توجه گرانقدرتان.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید وقتی تاریخی شروع شود تا منجر به تمدن گردد سالها در قبض و بسط خواهد بود تا از یک طرف آرام آرام و با افتان و خیزانها از عهد قبلی به در آید؛ و از طرف دیگر آرام آرام و با افتان و خیزانها به سوی هدف مد نظر جلو رود. بخواهند و نخواهند تاریخی که با انقلاب اسلامی شروع شده است، جلو می رود. و هر اندازه نسبت به درست جلورفتن حساس تر باشیم با آسیب کمتری روبه رو می شویم ولی همان طور که رهبری انقلاب اخیراً در صحبت با مردم آذربایجان فرمودند: «اگر با همین سبک حرکت و به تعبیر رایج با همین فرمان جلو برویم، قطعاً پیروزی متعلق به ملت ایران است». پس بحث در پیدا کردن راه نیست، بحث در بهتر طی کردن راه

است. و بحث «سلوک ذیل شخصیت امام» راه نمی‌گشاید، بلکه متذکر راهی است که گشوده شده تا با دقت بیشتر طی کنیم و خود را نسبت به راهی که گشوده شده، بیگانه نپنداریم. قبلاًها عرض شد این دولت، میهمان ناخوانده‌ای است که از جنس اهداف انقلاب اسلامی نمی‌باشد و باید حضور انقلاب را در جای دیگر جستجو کرد، نه در آینده‌ی حرکات چنین دولتی. اگر انقلاب اسلامی رویداد حقیقت در این تاریخ است. باید درستی انقلاب اسلامی را به افراد معرفی کرد. مردم به‌خوبی متوجه می‌شوند چگونه حقیقت در این دوران پوشیده می‌شود وقتی آمریکا و آل سعود که پدیدآورنده‌ی داعش و جبهه‌النصره هستند تا با ایران مقابله کنند، ایران را به عنوان بزرگ‌ترین کشور تروریست معرفی می‌کنند؛ مردم، وارونگی تاریخی را به عنوان حقیقت تاریخ احساس می‌کنند و عملاً متوجه می‌شوند علاج واقعی فلاکت این زمانه، رجوع به حقیقتی است که انقلاب اسلامی در مقابل آن‌ها گشوده است. موفق باشید